

تأثیر عوامل مهاجرت برون قومی و ازدواج بین قومی در میزان مخاطره یا ایمنی زبان ترکی آذربایجانی

ناصر نوری^۱

دانشگاه آزاد اسلامی اهر

چکیده

ایران کشوری چندقومی است و زبان ترکی آذربایجانی با جمعیت گویشور زیاد، یکی از مهم ترین زبان ها در کشور است. با این حال پژوهش جامعه‌شناختی جامعی، که وضعیت و موقعیت این زبان را بررسی کند، انجام نگرفته است. تحقیقات انجام شده درباره سایر زبان ها و گویش های ایران، از جمله بلوچی، مازندرانی، بختیاری، و گیلکی نشان می دهد که بیشتر آنها در معرض خطر زوال و انحطاط قرار دارند. با در نظر گرفتن چنین وضعیتی، به نظر می رسد که، علیرغم جمعیت گویشور زیاد، زبان ترکی آذربایجانی نیز شرایط مشابهی داشته باشد و زبان فارسی، زبان مسلط و با منزلت کشور، جایگاه فعلی زبان ها و گویش های ایران را بیش از پیش متزلزل خواهد کرد. برای تعیین صحت یا سقم چنین فرضیه ای، پرسش نامه هایی بین ۱۸۰ زن و مرد، که به صورت تصادفی از مناطق مختلف سه شهر تبریز، اهر و مرند انتخاب شده بودند، جهت پاسخ گویی به ۴۴ سؤال برای بررسی تأثیر عوامل مهاجرت برون قومی (مهاجرت به مناطق فارس نشین) و ازدواج بین قومی، در میزان مخاطره یا ایمنی زبان ترکی آذربایجانی، توزیع گردید. تحلیل آماری داده های پرسش نامه ها حاکی از آن است که این عوامل تأثیر بسیار منفی در این زبان داشته و باعث قطع انتقال بین نسلی زبان - که مهم ترین عامل و رمز بقای یک زبان محسوب می شود- در خانواده های مهاجران می گردد.

کلیدواژه ها: ترکی آذربایجانی، فارسی، مهاجرت برون قومی، ازدواج بین قومی، مخاطره زبان.

۱- مقدمه

تهدید منابع و گنجینه‌های زبانی، به‌عنوان واقعیتی انکارناپذیر، موضوعی پذیرفته شده در جهان است. برخی محققان پیش‌بینی کرده‌اند که نزدیک ۹۰ درصد از حدود ۷۰۰۰ زبان و گویش دنیا، تا آخر قرن بیست و یکم، کلیه گویشوران خود را از دست بدهند. زبان‌های اقلیت بومی قومی در جدالی نابرابر با زبان‌های مسلط، در معرض تهدید و خطر قرار گرفته‌اند. تنوع زبانی، زبان‌های در معرض خطر و مرگ و تغییر زبان در بیست سی سال گذشته مورد توجه فزاینده جامعه‌شناسان زبان و زبان‌شناسانی چون روبینز^۱ و یوهلنبک^۲ (۱۹۹۱)؛ گرینوبل^۳ و ویلی^۴ (۱۹۹۸)؛ کریستال^۵ (۲۰۰۰)؛ مافی^۶ و هارمون^۷ (۲۰۰۳)، هریسون^۸ (۲۰۰۷) و ایوانز^۹ (۲۰۱۰)، قرار گرفته است. دانش عمومی در زمینه در معرض خطر قرارگرفتن بسیاری از زبان‌ها رفته رفته بالا می‌رود. علیرغم باور بعضی، که کاهش و زوال قریب‌الوقوع و احتمالی زبان را امری مثبت می‌دانند، به‌علت کارکرد بی‌بدیل زبان در اکتساب، حفظ و انتقال دانش بشری، نبود و فقدان تنوع زبانی را می‌توان زوال و فقدان فرهنگ و دانش دانست (نیتل^{۱۰} و رومین^{۱۱}، ۲۰۰۰: ۲۷). دلایل و عوامل متعددی در این پدیده دخیل‌اند ولی به‌طور خلاصه می‌توان علل زوال و مرگ زبان‌ها را به دو عامل عمده تقسیم کرد: یکی تغییر زبان، که در آن گویشوران اغلب از زبان مسلط قدرتمند به‌جای زبان بومی استفاده می‌کنند و دیگری آموزش رسمی، که طی آن، زبان بومی به‌ندرت به‌عنوان زبان آموزش مورد استفاده قرار می‌گیرد (میتھون^{۱۲}، ۱۹۹۸). در طبقه‌بندی دیگری، انسجام گروهی و منزلت اجتماعی به‌عنوان عوامل زوال یا بقای زبان به‌شمار می‌آیند.

۱-۲- انسجام گروهی

آنچه ادواردز^{۱۳} (۱۹۹۲) "امنیت جمعیت‌شناختی" می‌نامد، عاملی در جهت کمک به ادامه حیات زبان تلقی می‌گردد. یکی از ملزومات امنیت جمعیت‌شناختی این است که جامعه زبانی به‌اندازه کافی پرجمعیت باشد تا ازدواج درون‌قومی در آن حفظ شده و تداوم یابد. نرخ بالای

1. R. H. Robins
2. E. Uhlenbeck
3. L. Grenoble
4. L. J. Whaley
5. D. Crystal
6. L. Maffi
7. D. Harmon

8. K. D. Harrison
9. N. Evans
10. D. Nettle
11. S. Romaine
12. M. Mithun
13. J. Edwards

ازدواج بیرون از جامعه زبانی، مهاجرت برون‌قومی زیاد یا مهاجرت بالای گروه‌های قومی دیگر، همه تهدیدی بر انسجام قومی به‌شمار می‌آیند و از این رو می‌توانند مانعی بر سر راه بقای زبان باشند. زبان ترکی آذربایجانی علیرغم جمعیت قابل توجه در ایران، بیش از ۳۰٪ جمعیت کل کشور (مافی‌نظام و محرابی، ۲۰۰۸: ۱۱۸)، زیر تأثیر چنین فشارهایی قرار دارد.

۱-۳- منزلت اجتماعی

عامل دوم مؤثر در میزان ایمنی یا درمخاطره‌بودن زبان "منزلت و جایگاه اجتماعی" است. زبانی که گویشوران آن جایگاه بالای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارند، در شرایط مساوی، نسبت به زبانی که جایگاهی پایین‌تر دارد، شانس زیادی برای ادامه حیات دارد.

نتایج پژوهش داورنیا (۱۳۸۵)، با عنوان علل و شاخصه‌های تغییر زبان ترک‌های تهران، نیز مؤید این مطلب است که زبان ترکی آذربایجانی در تهران در معرض خطر قرار دارد. این پژوهش آشکار می‌سازد که از کل جمعیت گویشور شرکت‌کننده در پژوهش تنها ۱۸/۳ درصد، با فرزندان خود به زبان ترکی آذربایجانی صحبت می‌کنند و تنها ۳۶/۷ درصد پاسخگویان، با همسر خود، به زبان ترکی صحبت می‌کنند. همچنین در این پژوهش، به سؤالی درباره میزان استفاده از زبان ترکی در صحبت با خردسالان، پاسخ ۲۰ درصد از پاسخگویان، خیلی کم، ۲۱/۷ درصد کم، ۲۵ درصد متوسط، ۱۶/۲ درصد زیاد و ۱۷/۲ درصد خیلی زیاد، بوده است. این به آن معنا نیست که زبان ترکی آذربایجانی در آینده نزدیک از بین خواهد رفت بلکه اشاره به این موضوع دارد که در صورت حفظ چنین روندی و به‌حاشیه‌راندن، محروم‌ماندن و انزوای زبان ترکی، می‌تواند در کوتاه‌مدت و میان‌مدت تأثیری سو، و ضربات مهلکی در بلندمدت به پیکره این زبان وارد کند. اهمیت چنین موضوعی و نگرانی و علاقه‌مندی پژوهشگر و همچنین نبود تحقیقات کافی، پژوهشگر را بر آن داشت که با پژوهشی میدانی در سه شهر تبریز، اهر و مرند، وضعیت زبان ترکی آذربایجانی بر اساس چارچوب ارائه‌شده توسط یونسکو (۲۰۰۳)، و اثر دو زیرعامل مهاجرت برون‌قومی و ازدواج بین‌قومی را در امکان بقا و ادامه حیات یا مرگ احتمالی زبان ترکی، مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

بیکر (۱۹۹۵: ۹) اظهار می‌کند: "بررسی نگرش شاخص‌های اجتماعی، تغییر باورها و فرصت موفقیت در اجرای سیاست‌ها را به‌دست می‌دهد و در مورد زبان اقلیت‌ها، نگرش‌ها مثل آمار، اقدامی در جهت ارزیابی ایمنی زبان‌هاست".

گرچه زبان ترکی آذربایجانی امروزه، در بیشتر مناطق ترک‌نشین، در سطح جامعه کاربرد دارد اما از آنجا که این زبان جایگاه و پایگاهی در سیستم آموزش رسمی کشور ندارد، و همچنین در بیشتر حوزه‌های اداری و رسمی، جایگاه مشخص و تعریف‌شده‌ای ندارد، احتمال زوال و انحطاط تدریجی این زبان دور از ذهن نیست. برای یافتن دلیل اینکه چرا یک زبان برای جامعهٔ زبانی اهمیت دارد، یکی از مفاهیم بنیادین "بازار زبانی" است که بوردیو^۱ و بولتانسکی^۲ (۱۹۷۵) اولین بار این اصطلاح را به کار بردند (نقل در ثوربورن^۳، ۲۰۰۶). بازار زبانی همان مدلی است که در آن ارزش کلام گویشور، یعنی احتمال اینکه گفته‌های او مورد دقت و توجه قرار گیرد، به نوع گونهٔ زبانی که کلام به آن ابراز می‌شود بستگی داشته باشد (اکرت^۴، ۲۰۰۰: ۱۳؛ نقل در ثوربورن، ۲۰۰۶).

یکی دیگر از مفاهیم اساسی در انتخاب یک زبان یا گونهٔ زبانی، ایدئولوژی زبانی است. مایرز-اسکاتن^۵ (۲۰۰۶: ۱۰۹)، ایدئولوژی را چنین تعریف می‌کند: "درک و برداشت از زبان‌ها و کاربردهای آنها، که به نفع یک گروه خاص شکل می‌گیرد". گویشوران معمولاً به وجود چنین ایدئولوژی‌هایی در خود واقف نیستند و الزاماً به آثار بالقوهٔ چنین ایدئولوژی‌هایی آگاهی ندارند. دلیل نگرش‌های تحقیرآمیز و فشار به گروه‌های زبانی هم ایدئولوژی‌ها هستند.

۱-۴- وضعیت اقتصادی و میزان مهاجرت استان آذربایجان شرقی

در پژوهشی که آغاجانیان در ۱۹۸۳ انجام داده، آمده است که نرخ فقر در خانواده‌های آذربایجانی بسیار بالاتر از میزان فقر در مناطق مرکزی و فارس‌زبان است. با بررسی مرحلهٔ گذر اقتصاد ایران از کشاورزی، در اواخر قاجار، به سمت صنعتی‌شدن و مدرن‌سازی در دوران پهلوی، و گسترش شهرنشینی، وی همچنین به توزیع نامتوازن و ناعادلانهٔ ثروت میان گروه‌های قومی و به نفع مناطق مرکزی، و اقدامات تبعیض‌آمیز فرهنگی نسبت به گروه‌های غیرفارس اشاره کرده است. آغاجانیان (همان: ۲۱۴) می‌نویسد که در اوان صنعتی‌سازی اقتصاد ایران، از کل ۲۰ کارخانهٔ نساجی، ۹ کارخانه در اصفهان، تهران و مازندران تأسیس گردید و آذربایجان و سایر مناطق از پیشرفت بهره‌ای نداشتند. پیامد این وضعیت تبعیض‌آمیز، مهاجرت جوامع غیرفارس

1. P. Bourdieu
2. L. Boltanski
3. J. Thorburn
4. P. Eckert
5. C. Myers-Scotton

به شهرهای مرکزی و به‌ویژه پایتخت بود. استان‌های مرکزی با ۲۰/۷ درصد جمعیت کل کشور، ۳۲/۷ درصد بودجه توسعه را در فاصله سال‌های ۵۳-۱۳۵۲ به خود اختصاص داده بودند، در حالیکه آذربایجان شرقی با ۱۰ درصد جمعیت، ۴/۸ درصد بودجه کشور را داشت.

اتابکی (۲۰۰۵: ۲۸) می‌نویسد: یکی از پیامدهای مدرن‌سازی این است که در اثر تحرک گروه‌های عظیم جمعیت، احتمال همگونی افزایش می‌یابد. بر اساس همین اصل، افزایش شهرنشینی، صنعتی‌سازی، آموزش، ارتباطات و حمل‌ونقل به یکسان‌سازی گروه‌های قومی کمک خواهد کرد. یعنی یکی از فاکتورهای کلیدی و تعیین‌کننده در اختلاف یا یکسان‌سازی قومی، فرایند تحرک اجتماعی^۱ است. در راستای چنین سیاستی، وی به مهاجرت اجباری و اسکان عشایر و قبایل در مناطق دیگر، در زمان پهلوی اول، اشاره می‌کند (ص. ۳۲). در نتیجه سیاست "یک کشور، یک ملت، یک زبان"، مکتب‌خانه‌ها تعطیل و مدارس نوین، که اینک زبان فارسی به‌عنوان زبان ملی در آنها تدریس می‌شد، آغاز به کار کرد. در ضمن هیچ کتاب و روزنامه‌ای به هیچ‌یک از زبان‌های غیرفارسی اجازه انتشار نداشت.

جابه‌جایی در قدرت سیاسی، در اواخر قاجار، و کودتای رضاخان، پیامدهای اقتصادی ناگواری برای ملیت‌های غیرفارسی در ایران به دنبال داشت... تمرکز قریب نود درصد از نیروی کار ماهر کشور در استان‌های مرکزی، اختصاص سرمایه‌گذاری‌ها به مناطق اساساً فارس‌نشین، نشان می‌دهد که زبان فقط یک عامل ارتباطی نبوده و با سلطه سیاسی و توزیع ناعادلانه قدرت سیاسی و تسلط اقتصادی عجین گردیده است (سلطانزاده، ۱۳۸۴).

محمود افشار (نقل در سلطانزاده، ۱۳۸۴: ۷)، یکی از تئوریسین‌ها و حامیان سیاست پهلوی، برای کمک به نهادینه‌شدن سیاست "یک کشور، یک ملت، یک زبان"، اقدامات چندی پیشنهاد می‌کند از جمله:

۱. کشیدن راه‌آهن و متصل نمودن کلیه نقاط مملکت جهت افزایش خلطه و آمیزش میان طوایف مختلف
 ۲. کوچ‌دادن بعضی ایلات آذربایجان و خوزستان به نقاط داخلی و آوردن ایلات فارس‌زبان به این ایالات و شهرنشین کردن آنها
- اقدامات فوق مصادیقی از مهاجرت برون‌قومی و درون‌قومی و ازدواج‌های بین‌گروهی است که با هدف برهم‌زدن انسجام گروهی در زمان پهلوی دنبال می‌شد.

جامی (۱۳۸۱) به نمونه‌های متعددی از تبعیضات آشکار اقتصادی و تحقیرات فاحش فرهنگی پهلوی نسبت به آذربایجان و آذربایجانی‌ها پرداخته است. مستوفی، استاندار آذربایجان می‌گفت: "آذربایجانی‌ها تُرکند! یونجه خورده، مشروطه گرفته‌اند، حالا نیز گاه می‌خورند ایران را آباد می‌سازند!" (جامی، ۱۳۸۱: ۲۵۹). آذربایجان قبل از پهلوی چشم‌وچراغ ایران بود. ولی اکنون جز خرابه‌ی دورافتاده‌ای بیش نیست (همان: ۲۶۰). وی می‌نویسد که شهر تبریز از سال ۱۳۰۸ دو مرتبه مورد سیل ویران‌کننده‌ای قرار گرفت و خسارات فراوانی به آن وارد شد، ولی دولت شاهنشاهی برای راه مخصوص آبدلی و آمل، که صرفاً یک راه تفریحی بود، حدود پانصد میلیون ریال هزینه کرد ولی برای تعمیر سد تبریز و جلوگیری از سیل‌های مخرب، مساعدت قبلی به عمل نیاورد (همان).

اتابکی (۱۳۷۶: ۶۹)، به تشریح تبعیض سیاسی و فرهنگی در آذربایجان در دوره پهلوی، به‌خصوص از ۱۹۲۵ تا ۱۹۴۱ در طول سلطنت رضاخان می‌پردازد و ادعا می‌کند که این بی‌عدالتی از عواملی است که به تشکیل دولت دموکراتیک آذربایجان در سال ۱۹۴۵ کمک کرد. وی همچنین نمونه‌هایی از سیاست‌های یکسان‌سازی و توهین نسبت به ترک‌ها را ارائه می‌کند. کتاب وی اثری ارزشمند و قابل تأمل درباره بی‌عدالتی‌های گوناگون اقتصادی و تبعیضات فرهنگی رژیم سابق بر علیه آذربایجانی‌هاست.

شیفر^۱ (۲۰۰۲: ۸۵) می‌نویسد: تداوم سیاست‌های تمرکزگرایانه رضاشاه و تبعیضات صورت گرفته علیه آذربایجان و ممنوعیت انجام روابط بازرگانی با آذربایجان شوروی، باعث مهاجرت بسیاری از اهالی آذربایجان به تهران گردید.....مهاجرت آذربایجانی‌ها به تهران باعث "آسیمیله شدن" یا ادغام برخی از آنها در قوم فارس گردید.

در سال ۱۹۷۵ نیمی از محصولات صنعتی در تهران تولید می‌شد درحالی‌که اکثریت آذربایجانی‌ها به کشاورزی مشغول بودند. به‌ازای هر کارگری که در بخش صنعت تهران کار می‌کرد، فقط ۷ دهم نفر کشاورزی می‌کرد. در استان آذربایجان شرقی شرایط به گونه دیگری بود و این نسبت، ۱ به ۲/۶ بود، و در آذربایجان غربی این نسبت، ۱ به ۱۳ بود. درصد باسوادی در دهه ۱۹۷۰ در تهران ۶۲ درصد و در آذربایجان ۲۷ درصد بود. درصد حضور کودکان تهرانی در مدرسه، ۷۴ درصد و برای آذربایجان غربی ۴۴ درصد بود (اصغرزاده، ۲۰۰۷: ۱۴۶).

بر اساس آمار مرکز آمار ایران در سال ۱۳۷۹، آذربایجان شرقی با ۳۳۶۲۵۷۰ نفر جمعیت، ۶۳۵ مرکز و کارگاه صنعتی دارد، در حالیکه اصفهان با ۴۱۷۳۳۲۲ نفر جمعیت، ۱۸۳۰ مرکز و کارگاه صنعتی دارد. بر اساس اعلام سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آذربایجان شرقی، این استان، مهاجرپرست‌ترین استان کشور است (هفته نامه تجارت و توسعه، ۳ مهر ۱۳۸۹). به گفته‌مدیرکل امور روستایی استانداری آذربایجان شرقی، در این استان تعداد ۳۰۰۰ روستا وجود دارد که ۲۹۰ روستا از این تعداد خالی از سکنه است (خبرگزاری فارس، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۹). طبق گفته‌ نماینده‌ اهر و هریس در مجلس، از ۳۰۵ روستای شهرستان اهر تعداد ۵۵ روستا خالی از سکنه شده است (ایسکانیوز، فروردین ۱۳۸۹). بر اساس اظهارات اصغری، مدیرکل امور روستایی استانداری آذربایجان شرقی، تعداد ۱۳۰ روستای اهر به زیر ۲۰ خانوار رسیده است و شهرستان ورزقان، ۱۵۱ روستای دارای سکنه و ۱۳ روستای خالی از سکنه دارد (دوهفته‌نامه گویا، ۲۴ مهر ۱۳۸۹). بر اساس نظرات اکثر جامعه‌شناسان زبان، این روند فزاینده مهاجرت برون‌قومی و همچنین تخلیه روستاها و افزایش شهرنشینی می‌تواند اثرات سوپی بر پیکره زبان‌های مهاجران به دنبال داشته باشد.

به دنبال افزایش قیمت نفت در سال ۱۹۷۰، پروژه‌های مختلف توسعه در سراسر کشور آغاز شد. استان‌های مختلف، توسعه متفاوت و نابرابری داشتند. پیشرفت‌های فن‌آوری، گسترش سیستم‌های ارتباطی، و مهاجرت دسته‌جمعی به کلان‌شهرها، به‌ویژه تهران، بسیاری از مردم را با سوابق و پیشینه متفاوت گرد هم آورد. استان‌های مرکزی در ایران پیشرفت بیشتری داشتند و مقبولیت و میزان استقبال از ایدئولوژی دولت، یعنی "یک کشور، یک ملت، یک زبان"، در استان‌های مرکزی بالاتر از استان‌های حاشیه کشور بود. توسعه نابرابر و نامتوازن منجر به افزایش بدبینی و بالاتر رفتن میزان مهاجرت از مناطق حاشیه‌ای شد. مهاجران آذربایجانی، که بیشتر به کارگری ساختمان مشغول بودند، حضور عمده‌ای در تهران داشتند. آمار نشان می‌دهد که نرخ مهاجرت از مناطق روستایی آذربایجان به تهران و تبریز، بالاترین میزان مهاجرت از روستا به شهر کشور در سال ۱۹۷۰ بود (پرایس^۱، ۲۰۰۵: ۲۵۳).

یکی از دلایل عمده مهاجرت، که تأثیر منفی و مخربی روی زبان‌های مهاجران دارد، بیکاری، کمبود امکانات، مرکزگرایی و تبعیضات نارواست. پژوهش بنی‌هاشمی (۱۳۸۲) نشان

می‌دهد که احساس محرومیت و تبعیض در بین دانشجویان آذربایجانی شدید است. پیامد چنین تبعیضاتی هم، نرخ بالای مهاجرت در آذربایجان است.

۱-۵- مهاجرت و ایمنی یا مخاطره زبان

کروفورد^۱ (۱۹۹۵: ۲۳) معتقد است که جابه‌جایی مردم، روی کاربرد زبان آنها تأثیر منفی خواهد داشت. وقتی مردم خانه و کاشانه خود را به خاطر یافتن شغل یا ادامه تحصیل، و یا به هر دلیل دیگری، ترک می‌کنند این عاملی در جهت فروپاشی زبان آنها خواهد بود. مهاجرت، اغلب منجر به ازدواج بین‌قومی می‌شود و بسیاری از این زوجین مجبور می‌شوند به زبان رسمی، به‌عنوان زبان میانجی، صحبت کنند.

ادگبجا^۲ (۲۰۰۴: ۲۳۶) اظهار می‌کند که در مهاجرت گروهی جوانان از روستاها به شهرها، برای پیدا کردن کار و همچنین بهره‌مندی از مزایای مدرنیزاسیون، زوال و مرگ زبان پیامد حتمی خواهد بود. آندرسون^۳ و آندرسون^۴ (۲۰۰۴)، در بررسی وضعیت زبان پانگاسینان در فیلیپین، به مهاجرت برون‌قومی و درون‌قومی (مهاجرت اقوام دیگر به مناطقی که پانگاسینان زبان بومی است)، و ازدواج‌های برون‌قومی و افزایش شهرنشینی به‌عنوان عوامل به مخاطره انداختن این زبان اشاره می‌کنند.

به اعتقاد برنزینگر^۵ (۲۰۰۵: ۲)، زبان‌های در معرض خطر الزاماً زبان‌هایی نیستند که تعداد گویشور اندکی دارند. گرچه جوامع زبانی کوچک در مقابل تهدیدات بیرونی آسیب‌پذیرند، ولی همیشه اندازه و جمعیت گروه زبانی مهم نیست (ریس^۶، ۲۰۰۲: ۱۷). قابلیت ادامه حیات یک زبان، بیشتر به نگرش کلی گویشوران نسبت به زبان و فرهنگ و میراث گذشتگان بستگی دارد، که زبان هم مهم‌ترین مؤلفه میراث نیاکان است. در این صورت، انتقال بین نسلی، یعنی آموزش زبان مادری، مهم‌ترین ویژگی حیات زبان است. ولی مهاجرت و ازدواج بین گروهی نیز می‌تواند در قطع کامل یا جزئی انتقال بین نسلی زبان نقش داشته باشد.

-
1. J. Crawford
 2. E. Adegbija
 3. J. N. Anderson
 4. V. B. Anderson
 5. M. Brenzinger
 6. T. Riese

از نظر تاریخی، مهم‌ترین عامل مرگ زبان‌ها حرکت و جابه‌جایی مردم از یک محل به محل دیگر بوده است. ولی ویلین^۱ و هریسون^۲ (۲۰۰۴: ۵) تصمیم خود گویشوران به ترک زبان بومی و روی آوردن به زبان اکثریت را اساسی‌ترین عامل زوال زبان‌ها در عصر حاضر می‌دانند. مراودات و ارتباطات اجتماعی، باعث تبادل عناصر فرهنگی می‌شود. اغلب جوامع زبانی، منزلت و جایگاه یکسانی ندارند. جوامعی که به دلایلی، از جمله برتری عددی، اقتصادی، اجتماعی، تاریخی و با قدرت سیاسی، منزلت و جایگاه بالایی دارند، جوامع کمتر برخوردار و کم منزلت را تحت نفوذ خود درمی‌آورند، جوامع ضعیف مجبور می‌شوند زبان گروه مسلط را بیاموزند و به‌ناچار و تدریجاً زبان آنان به بوتۀ فراموشی سپرده می‌شود.

۲- روش پژوهش

پژوهش حاضر بخشی از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان "تغییر و مرگ زبان: مطالعه موردی در ایران" است. این مطالعه نقش دو زیرمتغیر مستقل مهاجرت برون‌قومی و ازدواج بین‌قومی در میزان ایمنی یا مخاطره زبان ترکی آذربایجانی را به‌عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار می‌دهد. چهارچوب ارائه‌شده توسط یونسکو (۲۰۰۳)، جهت ارزیابی میزان مخاطره یا ایمنی مورد استفاده قرار گرفته است. در این مدل آمده است: "گرچه نمی‌توان تعداد مطلق گویشوران را به‌صورت یقین مورد تفسیر و ارزیابی قرار داد، اما جامعه زبانی کوچک همیشه در معرض خطر قرار دارد" (ص. ۱۰). آسیب‌پذیری جمعیت اندک زبانی نسبت به جمعیت زیاد، در مقابل حوادث، بسیار بالاتر است.

۱۸۰ زن و مرد دارای فرزند بزرگ‌تر از سه سال، که یکی از زوجین حتماً باید ترک‌زبان می‌بود به‌صورت تصادفی از مناطق مختلف سه شهر تبریز، اهر و مرند، جهت پاسخ‌گویی به ۴۴ سؤال چندگزینه‌ای و پرسش با جواب باز انتخاب شدند. البته همه سؤالات در این پژوهش -که بخشی از یک پژوهش کلی است-مورد بررسی قرار نگرفتند و تنها پرسش‌هایی که مستقیماً با فرضیه تحقیق ارتباط داشتند، بررسی شدند. پرسش‌نامه به‌صورت دستی، و نه از طریق پست و یا ایمیل، توسط دوستان و آشنایان، در پاییز سال ۱۳۸۸ توزیع و در مدت ۴۵ روز، بعد از

1. D. Whalen
2. D. Harrison

تکمیل، جمع‌آوری شد. البته حدود ۳۰۰ پرسش‌نامه توزیع شده بود که تعدادی غیرقابل بهره‌برداری بودند و تعدادی اصلاً به دست محقق نرسیدند.

۳- توصیف داده‌ها

به علت بررسی عامل مهاجرت و ازدواج بین‌قومی، در بررسی حاضر، بخشی از سؤال‌ها و پاسخ‌ها، که مستقیماً به فرضیه تحقیق ارتباط داشتند مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند. اگرچه سن، میزان تحصیلات و جنسیت پاسخگویان در این پژوهش، پارامترهای مورد توجه نیستند، با این حال مشخصات کلی پاسخگویان به شکل جداول ۱ تا ۳ تهیه شد.

فرضیه پژوهش حاضر این بود که مهاجرت و ازدواج بین‌قومی عواملی تأثیرگذار در به‌خطرانداختن و تزلزل جایگاه زبان ترکی آذربایجانی در ایران‌اند. داده‌های تحقیق و تحلیل آنها نشان می‌دهد که به خاطر بالابودن آهنگ ازدواج بین‌قومی ترک‌زبانان با فارس‌زبانان و همچنین بالابودن نرخ مهاجرت از استان‌های آذربایجان به‌ویژه سه شهر مورد بررسی، زبان ترکی جمعیت قابل ملاحظه‌ای از گویشوران خود را در بلندمدت از دست خواهد داد. به نظر می‌رسد به خاطر اشتراکات مذهبی بین فارس‌زبانان و ترک‌زبانان، که هردو شیعه‌اند، امتزاج این اقوام به‌سهولت امکان‌پذیر است و برفرض اگر سایر شرایط را مساوی بگیریم این عامل، زبان ترکی را بیش از سایر زبان‌های غیرفارسی، که گویشوران آن اهل تسنن هستند، در معرض تهدید و تزلزل قرار می‌دهد.

جدول ۱- درصد و فراوانی پاسخگویان برحسب جنسیت

| جنس | تعداد | درصد |
|-----|-------|------|
| مرد | ۱۲۴ | ۶۸/۹ |
| زن | ۵۶ | ۳۱/۱ |
| جمع | ۱۸۰ | ۱۰۰ |

جدول ۲- درصد و فراوانی پاسخگویان برحسب سن

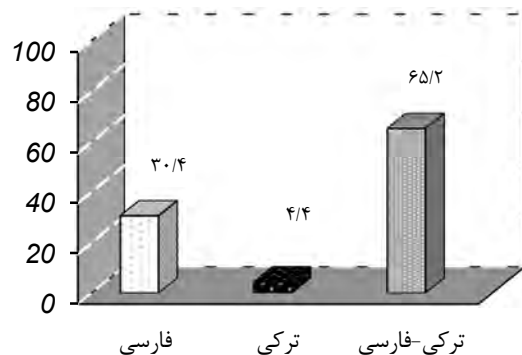
| سن | تعداد | درصد |
|-----------|-------|------|
| ۳۰-۲۰ | ۷۶ | ۴۲/۲ |
| ۴۰-۳۱ | ۷۶ | ۴۲/۲ |
| ۴۱-۵۰ | ۲۱ | ۱۱/۷ |
| بیش از ۵۰ | ۷ | ۳/۹ |

جدول ۳- درصد و فراوانی پاسخگویان برحسب میزان تحصیلات

| میزان تحصیلات | تعداد | درصد |
|------------------------|-------|------|
| بی سواد | ۱ | ۰/۵ |
| پنجم ابتدایی | ۱۲ | ۶/۷ |
| دیپلم یا فوق دیپلم | ۸۵ | ۴۷/۲ |
| لیسانس | ۷۰ | ۳۸/۹ |
| کارشناسی ارشد و بالاتر | ۱۲ | ۶/۷ |
| جمع | ۱۸۰ | ۱۰۰ |

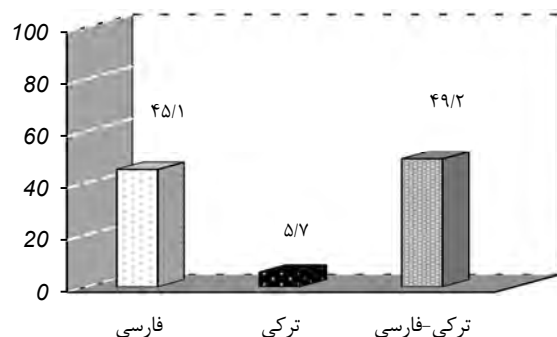
از ۱۸۰ مورد بررسی انجام شده، ۱۴۲ نفر از پاسخگویان، یعنی ۷۸/۹ درصد، در جواب به این سؤال که "آیا از اقوام، آشنایان و همسایگان شما به مناطق فارس نشین مهاجرت کرده‌اند؟ علت مهاجرت آنها چه بوده است؟" پاسخ مثبت داده بودند. از این تعداد، ۲۷ نفر بیکاری، ۸۳ نفر یافتن شغل مناسب‌تر و ۳۲ نفر دلایل دیگری، از قبیل شرایط استخدام و تعهد، کمی درآمد در شهر محل سکونت، همسرگزینی از شهر مقصد، انتقال محل کار به خاطر شرایط ویژه، مثلاً به علت نظامی بودن، سکونت آشنایان در تهران، ارتقای شغلی و مأموریت اجباری را از دلایل مهاجرت برشمرده‌اند. داده‌ها نشان می‌دهد که بخش مهمی از دلایل به نوعی مربوط به شغل می‌باشد.

در پاسخ به این پرسش که "آیا از اقوام، آشنایان، دوستان و همسایگان شما در مناطق فارس نشین زندگی می‌کنند؟ در صورت مثبت بودن جواب، به چه زبانی با بچه‌های خود حرف می‌زنند؟"



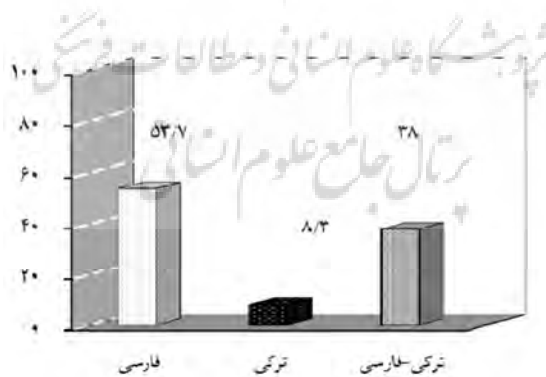
نمودار ۱- درصد کاربرد زبان بین والدین و بچه‌ها در خانواده‌های مهاجر

همچنان‌که نمودار ۱ به‌روشنی نشان می‌دهد، از ۱۵۸ مورد پاسخ مثبت به سؤال فوق و بررسی آن مشخص شد که ۷ نفر، یعنی ۴/۴ درصد مهاجران، فقط به زبان ترکی آذربایجانی با بچه‌های خود حرف می‌زنند. ۴۸ نفر، یعنی ۳۰/۴ درصد، به زبان فارسی با کودکان صحبت می‌کنند و ۱۰۳ نفر، یعنی ۶۵/۲ درصد مهاجران، از هر دو زبان در صحبت با کودکان استفاده می‌کنند. به این معنا که زبان ترکی آذربایجانی در خانواده‌های مهاجران، به‌شدت، گویشوران جوان و کودکان را از دست می‌دهد و این خانواده‌ها یا زبان فارسی را به‌عنوان زبان ارتباطی با کودکان به‌کار می‌گیرند، و یا روند شایع در خانواده‌های مهاجران، نوعی دوزبانگی است. ولی چون این دو زبان جایگاهی برابر ندارند، به‌عقیده ریس (۲۰۰۲: ۱۱)، این دوزبانگی نامتوازن زیاد تداوم نمی‌یابد و رفته‌رفته به مرگ زبان کمتر برخوردار از نظر قدرت می‌انجامد. نسل جدید، مهارت‌های زبان غالب را خوب فرا می‌گیرند، و در عین حال، مهارت آنها در زبان بومی ضعیف می‌شود و ممکن است آنها به این باور برسند که زبان‌شان تاریخ‌گذشته، کهنه و بی‌مصرف شده است و ظرفیت و قابلیت برآوردن نیازهای جامعه امروزی را ندارد. نسل جوان، این زبان را فقط در صحبت با بزرگ‌ترها و کهنسالان به‌کار خواهد برد و در صحبت همسالان، زبانی مسلط است که به‌عنوان ابزار ارتباطی برگزیده می‌شود، و عرصه، هرچه بیشتر، بر زبان بومی تنگ و تنگ‌تر می‌شود و در نتیجه سرنوشتی ناگوار در انتظار این زبان بومی‌ست و زمان احتضار آن نزدیک است.



نمودار ۲- درصد کاربرد زبان در خانه در ازدواج بین ترک و فارس

در جواب به این سؤال، که "آیا از اطرافیان، دوستان، آشنایان و خویشاوندان خود شخص یا اشخاصی را می‌شناسید که با هموطن فارس ازدواج کرده باشد؟ در صورت مثبت بودن جواب، زبان مورد استفاده در خانه چیست؟ و با کودک خود به چه زبانی حرف می‌زنند؟" ۱۲۲ نفر پاسخ مثبت داده بودند، که از این تعداد ۷ نفر، یعنی ۵/۷ درصد، فقط از زبان ترکی به عنوان زبان خانه استفاده می‌کنند. ۵۵ نفر، یعنی ۴۵/۱ درصد، فارسی را به عنوان زبان خانه مورد استفاده قرار می‌دهند. ۶۰ نفر، یعنی ۴۹/۲ درصد، از هر دو زبان ترکی و فارسی در خانه استفاده می‌کنند (نمودار ۲). این داده‌ها نشان می‌دهد که زبان ترکی به خاطر ازدواج بین‌قومی، بخشی از گویشوران خود را به نفع زبان فارسی از دست می‌دهد.



نمودار ۳- درصد کاربرد زبان در ارتباط والدین با کودکان در ازدواج بین ترک و فارس

همانطور که نمودار ۳ نشان می‌دهد، از ۱۲۱ پاسخ قسمت سوم سؤال فوق، یعنی زبان مورد استفاده با فرزندان، در ۱۰ مورد، یعنی ۸/۳ درصد، زبانی که والدین با فرزندان خود حرف می‌زنند ترکی آذربایجانی است. در ۶۵ مورد، یعنی ۵۳/۷ درصد والدین، با فرزندان خود فقط به زبان فارسی حرف می‌زنند و ۴۶ مورد، یعنی ۳۸ درصد والدین، به هر دو زبان ترکی و فارسی با فرزند خود حرف می‌زنند. نتایج این قسمت نیز نشانگر این موضوع است که ازدواج بین‌قومی تأثیری منفی در زبان ترکی داشته و این زبان بخش مهمی از گویشوران جوان خود را، در خانواده‌هایی که یکی از پدر یا مادر ترک نیستند، از دست می‌دهد. به طور کلی تر می‌توان گفت که ازدواج‌های برون‌قومی باعث انقطاع کامل یا جزئی انتقال بین نسلی زبان، که یکی از حیاتی‌ترین عوامل حیات و بقای زبان است، می‌گردد.

۴- نتیجه‌گیری

یافته‌ها و مباحث نظری پژوهش حاضر حاکی از این است که علیرغم جمعیت بالای گویشور، زبان ترکی آذربایجانی از دو زیرعامل مهاجرت برون‌قومی و ازدواج بین‌قومی تأثیراتی منفی را متحمل شده و به‌خطراتادن این زبان، در صورت تداوم چنین روند تغییر تدریجی دور از انتظار نیست. در خانواده‌های مهاجران ترک، گویشوران جوان، زبان بومی والدین خود را به‌نفع زبان فارسی از دست می‌دهند، یعنی انتقال بین نسلی زبان در این خانواده‌ها به‌صورت جزئی یا کامل قطع می‌شود. گرچه زبان ترکی آذربایجانی در آینده نزدیک در معرض انحطاط و زوال قرار ندارد، و در حقیقت به خاطر اینکه این زبان در دو کشور مستقل همسایه به‌عنوان زبان رسمی مورد حمایت و استفاده همه‌جانبه است، و همچنین جمعیت بالای گویشوران و قلمروی جغرافیایی این زبان در ایران، سخن از زوال کامل این زبان عبث می‌نماید، با این حال ضروری است که این زبان به‌عنوان یکی از زبان‌های مهم کشور، به همراه سایر زبان‌های زیرین که از آموزش، نشر و ترویج کافی محروم هستند، مورد پژوهش و بررسی‌های گسترده قرار گیرد. ابعاد مختلف و زوایای پنهان و آشکار حیات گویش‌ها و زبان‌ها کشف و ضبط شود و نتایج و یافته‌های این پژوهش‌های جامعه‌شناختی و زبان‌شناختی در اختیار سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان سیاسی، فرهنگی و آموزشی کشور قرار بگیرد تا با رعایت تمامی جوانب و نگاهی کارشناسانه و متعهدانه، اقدامات و تمهیدات مناسب در جهت حفظ، تقویت و ثبات تنوع زبانی و فرهنگی، که می‌تواند منشأ و سبب فواید بسیاری برای کشور باشد، اتخاذ گردد.

منابع

- اتابکی، تورج (۱۳۷۶). *آذربایجان در تاریخ معاصر ایران*. ترجمه محمدکریم اشراق. تهران: توس.
- ایسکانیوز* (فروردین ۱۳۸۹). رییس مجمع نمایندگان آذربایجان شرقی: عدم توجه به بخش مرکزی اهر موجب خالی شدن روستاها شده است. برگرفته از:
aharnews.blogfa.com/8901.aspx
- بنی هاشمی، میر قاسم (۱۳۸۲). بررسی جامعه‌شناختی حرکت‌های قومی محلی در آذربایجان پس از انقلاب اسلامی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جامی، حسن (۱۳۸۱). *گذشته چراغ راه آینده است*. تهران: اندیشه نو.
- داورنیا، عباس (۱۳۸۵). علل و شاخصه‌های تغییر زبان ترک‌های تهران. تهران: اندیشه نو.
- خبرگزاری فارس (دوشنبه، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۹). مدیرکل امور روستایی استانداری آذربایجان شرقی: ۲۹۰ روستای آذربایجان شرقی خالی از سکنه است. برگرفته از:
www.farsnews.com
- دوهفته‌نامه گویا* (۲۴ مهر ۱۳۸۹). یک‌سوم تعداد روستاهای آذربایجان شرقی در منطقه ارسباران. برگرفته از:
http://gooyanews.ir/gooya/index.php?option=com_content&task=view&id=228&Itemid=53
- سلطانزاده، هدایت (۱۳۸۴). *زبان، ایدئولوژی و هویت ملی*. برگرفته از:
www.achiq.org/yazi/hidayet%20dil.pdf
- هفته‌نامه بین‌المللی اقتصادی و اجتماعی تجارت و توسعه* (شنبه ۳ مهر ۱۳۸۹). آذربایجان شرقی، مهاجرپرست‌ترین استان کشور. محل نشر: تبریز.
- Adegbija, E. (2004). "Language policy and planning in Nigeria". In *Current Issues in Language Planning*, Vol.5(3), 181-239. London: Routledge.
- Aghajanian, A. (1983). "Ethnic inequality in Iran: An overview". In *International Journal of Middle East Studies*, Vol.15, 211-224.
- Anderson, J. N. & V. B. Anderson (2008). "Pangasinan: An endangered language? Retrospect and prospect". Retrieved from the Web May 2, 2009.
<http://www2.hawaii.edu/~vanderso/Pangasinan.pdf>.
- Asgharzadeh, A. (2007). *Iran and the Challenge of Diversity*. New York: Palgrave Macmillan Press.

- Atabaki, T. (2005). "Ethnic diversity and territorial integrity of Iran: Domestic harmony and regional challenges". in *Iranian Studies*, Vol. 38(1), 23-44. London: Routledge.
- Baker, C. (1995). *Attitudes and Language*. Clevedon: Multilingual Matters.
- Brenzinger, M. (2005). "Documenting endangered languages and language maintenance". Retrieved from the Web April 14, 2009.
<http://jib.sagepub.com>.
- Crawford, J. (1995). "Endangered native American languages: What is to be done, and why?". Retrieved from the Web June 7, 2008.
www.ncela.gwu.edu/pubs/nabe/brj/v19/crawford.pdf
- Crystal, D. (2000). *Language Death*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Eckert, P. (2000). *Linguistic Variation as Social Practice*. Oxford: Blackwell.
- Edwards, J. (1992). "Sociopolitical aspects of language maintenance and loss: Towards a typology of minority language situations". In *Maintenance and Loss of Minority Languages*. Amsterdam: John Benjamins, 37-54
- Evans, N. (2010). *Dying Words: Endangered Languages and What They Have to Tell Us*. Malden, MA: Wiley-Blackwell.
- Grenoble, L. & L. J. Whaley (Eds.) (1998). *Endangered Languages: Current Issues and Future Prospects*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Harrison, K. D. (2007). *When Languages Die: The Extinction of the World's Languages and the Erosion of Human Knowledge*. Oxford: Oxford University Press.
- Maffi, L. & D. Harmon (2003). *Sharing a World of Difference: The Earth's Linguistic, Cultural and Biological Diversity*. UNESCO: World Wildlife Fund, Terralingua (Organization).
- Mafinezam, A. & A. Mehrabi. (2008). *Iran and its Place among Nations*. London: Praeger.
- Mithun, M. (1998). "The significance of diversity in language endangerment and preservation". In *Endangered Languages: Current Issues and Future Prospects*, 163-91.
- Myers-Scotton, C. (2006). *Multiple Voices: An Introduction to Bilingualism*. Oxford: Wiley-Blackwell.
- Nettle, D. & S. Romaine (2000). *Vanishing Voices: The Extinction of the World's Languages*. Oxford: Oxford University Press.
- Price, M. (2005). *Iran's Diverse Peoples: A Reference SourceBook*. California: ABC-CLIO Inc.
- Riese, T. (2002). *Encounter of cultures: Language death*. Retrieved from the Web May 10, 2008.
www.ff.ns.ac.yu/stara/elpub/susretkultura/45.pdf

- Robins, R. H. & E. Uhlenbeck (Eds.) (1991). *Endangered languages*. Oxford: Berg.
- Shaffer, B. (2002). *Borders and Brethren: Iran and the Challenge of Azerbaijani Identity*. Cambridge, MA: The MIT Press.
- Thorburn, J. (2006). *Language Attitudes and Use in the Innu Community of Shshatshiu, Labrador*. Unpublished MA Thesis. Memorial University of Newfoundland.
- UNESCO (2003). "Language vitality and endangerment: UNESCO ad hoc expertgroup on endangered languages". Retrieved from *the Web May 4, 2009*.
www.unesco.org/culture/ich/doc/src/00120-EN.pdf.
- Whalen, D. & D. Harrison (2004). "The World's endangered languages". In Microsoft *Encarta* Reference Library.
riage, Language Endangerment.

